

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاند تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید
هفتم سپتمبر ۲۰۱۳
شعر از "چاوش"

شعرهای مقاومت از مجموعه "سرود ابدیت"

(هفتم)

چکامه عصیان

اهداء به (ش)

اینجا به یاد تو
در قلب روستای به خون خفته
بانگ نماز خون و شهادت
در بامداد طالع آزادی
آواز میدهد:
بانگی که نغمه خوان غزلهای نیست،
حماسه ای ست
داغتر از آتش

در معبری که راه سفر را
تا بیکرانگی

خط میکشید

دستان کینه پرور "افشین"

همیار دشمنان مهاجم

آتش گشود و تو

بذر شگوفه های بهاری را

در دشتهای یائسه افشاندی

ای رهسپار جاده پُرسنگلاخِ رزم!

آهنگ رفتن تو

گیراترین چکامه عصیان است

گیراترین چکامه بیداری ست

گیراترین چکامه که مردم

در عمق لحظه های به خون شسته

غوغاگرانه بارش خون را

تکرار میکند

تا شوق جانبخشِ رهائی را

در اشتیاقِ رفتن و ماندن

در آزمون کشد

ای یار، ای رفیقِ شهامت!

آوای مرگ تو

اوراقِ نانوشتۀ حماسه را

با کلام رشک برانگیز

تقریر میکند

دیری ست،

پاکیزه خانه ات

آشوبگاهِ ننگِ تجاوزها ست

و،

بردگان شهوت
"با شست پا بکارتِ حق" را دریده اند
تو،

با پیام غیرت و مردی
در راهِ رزم
همت گماشتی

و تیغِ آخته فریاد
با آن غریبِ غلغله انگیز
بر روی مرگ کشیدی

آتشفشانِ سینه ات، ای مرد!
تموزِ گرمائی ست
که ما را

از انجمادِ کرختی امان بخشد

و ما،
تصویرِ خوشنمودت را
کز آن
نقشِ پرتو آگاهی
در قابِ آئینه پیدا ست
به یاد میداریم

تو در غروب، طلوع کردی
تکانِ دستانت
در گاهواره میهن
جنبشی عظیم برانگیخت
و زهدان جنبش
از نطفه بلوغ
انباشته گردید

اینجا، به یاد تو
در قلبِ روستای به خون خفته
بانگِ نمازِ خون و شهادت
در بامدادِ طالع آزادی
آواز میدهد
بانگی که نغمه خوانِ غزلها نیست
حماسه ای ست، داغتر از آتش
